تراجز آن کاری نیست که الله تعالی پیش تو آرد و نیز تو بران نیت ازخانه بیرون آمده
که بخانه با زشوی سی سال است که هرگز بران نیت از خانه بیرون نیامده ام که بازروم
ابوبکر وراق گوید که آن دو سخن یوسف به از صد ساله عبادت محمد مسلم و هم
ابوبکر وراق گفته شعر ربما اصلی رکعتین وانصرف منهما وانا بمنزلة من ینصرف
من السرقة من الحیا محمد بن الحسن الجوهری رحمه الله تعالی کنیت وی ابوبکر است
از اهل بغداد بوده شاگرد ذو النون مصریست مرد بزرگست شیخ ابوبکر واسطی گوید
با جلالت خود از وی حکایه کند ابوبکر واسطی امام توحید گوید که محمد حسن
جوهری گفت که مریدی ذو النون مصری را گفت مرا دعایی کن گفت ای جوانمرد اگر ترا
کاری در سابق تقدیر حق پیش شده باشد بسیار دعاهای ناکرده که مستجابست
واگر نشده باشد غرق شده را در آب از بانگ چه سود جز غرق شدن و زیادتی آب در گلو
رفتن شیخ الاسلام گفت که شخصی پیری را گفت مرا دعایی کن گفت آنچه ترا در سابق علم
حق رفته است به از معارضه یکی از پیران گوید اگر نه آن بودی که وی گفته که مرا بخوانید
و از من خواهید که ادعونی استجب لکم وما خلقت الجن والانس الا لیعبدون ای
لیدعونی من هرگز دعا نکردمی ولیکن گفت و فرمود که بخواه میخواهم شیخ الاسلام
گفت دعا نه صوفیان را مذهب است که ایشان حکم سابق را می نکنند که همه بود نیها
بوده با حفص نیشاورزان تا پاسی از شب میگفت کاری که بوده است نا بوده چون کنم
همه خلق برانند که چه خواهد بود حکیم دراز کج بود شیخ الاسلام گفت

که دعا نباید کرد و ورد نباید خواند من هر شبانه روزی ورد خود بخوانم و آن
دویست فصل دعاست ولیکن هیچ چیز نمیخواهم آن ورد زبان بود فرمان بردار را
و همت غیر آن ابوبکر کسایی دینوری رحمه الله از قهستان عراق بوده بدینور ساکن
مرد بزرگست از قدمای اصحاب جنید و اقران وی او را ریاضات بسیار و سفرهای
معروفست جنید گوید اگر نه ابوبکر کسایی بودی من در عراق ننبودی جنید را با وی
مکاتباتست و رسائل نیکو پیش از جنید برفته از دنیا از جنید هزار مسئله پرسیده
بود همه را جواب نوشته بود و بوی فرستاده چون وی را وقت وفات نزدیک
آمد همه را بشست خبر وفات وی بجنید رسید گفت کاش آن مسئلها که
از من پرسیده بود بشستی جنید شادمان گشت شیخ الاسلام گفت جنید نه از ان
می ترسید که آن بدست عام افتد یا بدست سلطان از ان می ترسید که بدست صوفیان
افتد و از ان دکان بر سازند یعنی سخن گفتن و قبول جستن شیخ الاسلام گفت که جنید
گفت از هزار صوفی یکی عالم بود صوفی را آن بس بود که می شنود و می داند نیز تو مرسل
فصیح بود نه زبان شیخ الاسلام گفت که رویم گفته که چون حال از مرد باز ستانند و مقال
بگذارند وی را هلاک کردند شیخ ابو الخیر عسقلانی گفته که چون ابوبکر کسایی در خواب
شدی از سینه وی آواز قرآن خواندن شنیدندی ابو علی الجوزجانی رحمه الله تعالی
از طبقه ثانیه است نام وی حسن بن علی است از بزرگان مشایخ خراسانست در وقت
نظیر بود و وی را تصانیف است در معاملات و رؤیت آفات و تمامی کلام فی